

درس اول

۱. انسان با چه شیوه هایی قادر به شناخت جهان است؟
۲. کدام شیوه شناخت است که در میان موجودات دنیا، تنها برای آدمی ممکن شده است؟
۳. کدام توانایی راه تفکر و تعقل را برای فهم جهان هستی به روی انسان می گشاید؟
۴. منظور از ذخیره آگاهی یا ذخیره دانشی چیست؟
۵. چه ارتباطی بین مفاهیم کنش و آگاهی وجود دارد؟
۶. یک مثال ذکر کنید که نشان دهد افراد چگونه به آگاهی خود نسبت به کنش هایشان پی می برند؟
۷. کدام عامل باعث می شود آگاهی موجود در کنش هایی نظیر راه رفتن، غذا خوردن و از نظر ما پنهان شود؟
۸. اگر آگاهی و دانش نسبت به کنش وجود نداشته باشد چه تاثیری بر زندگی اجتماعی دارد؟
۹. دانش و آگاهی نسبت به کنش های انسانی چگونه به دست می آید؟
۱۰. «دانش عمومی» را تعریف کنید.
۱۱. فردی که تصمیم می گیرد به تنهایی و بیرون از جامعه زندگی کند، با چه مشکلی مواجه خواهد شد؟
۱۲. فردی که تنها و بیرون از جامعه زندگی کند، چگونه بر ذخیره دانشی خود می افزاید؟
۱۳. انسان هایی که در جامعه زندگی می کنند از چه مزیتی برای کسب دانش مورد نیاز برخوردارند؟
۱۴. گسترده ترین بخش ذخیره دانشی ما کدام است؟
۱۵. ما درباره چه چیزی کمتر می اندیشیم؛ بیشتر از آن استفاده می کنیم و در تعامل با یکدیگر آن را به کار می بریم؟
۱۶. کدام نوع دانش است که درباره آن کمتر می اندیشیم و بیشتر از آن استفاده می کنیم؟
۱۷. چرا دانش عمومی را به هوا برای انسان تشبیه می کنند؟
۱۸. ذخیره دانشی بشر چند بخش دارد؟
۱۹. «دانش علمی» چیست؟
۲۰. عمیق ترین و دقیق ترین بخش ذخیره دانشی، کدام دانش است؟

۲۱. یک پدیده اجتماعی مثال بزنید که در مورد آن هم دانش عمومی و هم دانش علمی وجود دارد.
۲۲. چگونه می توان تفاوت دانش عمومی و علمی را در مورد پدیده اجتماعی زبان درک کرد؟
۲۳. دانش علمی چه تاثیری بر شناخت عمومی دارد؟
۲۴. تلاش های علمی چه تاثیری بر دانش علمی و عمومی جامعه می گذارد؟
۲۵. دانش علمی چگونه شکل می گیرد؟ یک مثال ذکر کنید.
۲۶. چند نمونه از مسایلی که انسان در زندگی اجتماعی با آن مواجه می شود را نام ببرید.
۲۷. در برخورد با مسایل زندگی اجتماعی چه تفاوتی بین دانش عمومی و علمی وجود دارد؟
۲۸. تعارض بین دانش عمومی و دانش علمی چگونه در جامعه حل می شود؟
۲۹. جهان های اجتماعی مختلف؛ بر اساس کدام ملاک، دانش علمی را تعریف می کنند؟
۳۰. جهان متجدد، علم را چگونه تعریف می کند؟ این تعریف بر مبنای کدام هویت است؟
۳۱. اگر رویکرد علمی جهان متجدد به جوامع دیگری که علاوه بر علم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را معتبر می دانند؛ سرایت کند، چه پیامدهایی خواهد داشت؟

پاسخ سوالات درس اول

۱.

الف) از راه حس: آدمی از همان ابتدای تولد صداها را می شنود. کم کم چشم باز می کند، اطراف خود را می بیند و به مرور اشیا و افراد را از هم تشخیص می دهد.

ب) از راه زبان (پرسش و پاسخ از دیگران): بعد از مدتی با کلمات آشنا می شود، سخن می گوید و با سخن گفتن، روند آگاه شدن او از جهان اطرافش سرعتی شگرف می یابد. تا قبل از اینکه بتواند سخن بگوید، از راه حس (شنیدن، دیدن و ...) می فهمید؛ اما وقتی زبان می گشاید، راه جدیدی برای ارتباط با جهان و فهم آن، پیش رویش باز می شود. از آن پس به دریافتهای حسی خویش بسنده نمی کند و برای شناخت جهان اطراف خود، از دانسته های دیگران نیز بهره می برد.

پ) از راه تفکر و تعقل: پرسش و پاسخ از دیگران، بازهم راه دیگری برای فهم جهان هستی به روی او می گشاید . راهی که در میان موجودات دنیا، تنها برای آدمی گشوده شده است .انسان با تفکر و تعقل، از دیده ها، شنیده ها و خوانده هایش فراتر می رود، معنای پدیده های اطراف خود را درک می کند و به آگاهی گسترده تر و عمیق تری ازعالم و آدم می رسد.

۲. تفکر و تعقل.

۳. پرسش و پاسخ از دیگران.

۴. هرآنچه افراد از تجربه های فردی و اجتماعی خود، مطالعات مدرسه ای، دانشگاهی و ... می آموزند، ذخیره آگاهی یا ذخیره دانشی آنها را شکل می دهد .هر فرد، گروه، قوم، جامعه و امتی یک ذخیره دانشی دارد. این ذخیره دانشی، راهنمای زندگی آنهاست.

۵. کنش آدمی وابسته به آگاهی است و بدون آگاهی انجام نمی شود، ولی ما اغلب از آگاهی و دانشی که درباره کنش های خود داریم و اهمیت و نقشی که این آگاهی در زندگی ما دارد، غافلیم.

۶. فرض کنید به پیشنهاد دوستی به یک میهمانی دعوت شده اید که در آن کسی را نمی شناسید .در چنین موقعیتی، دقت و احتیاط شما بیشتر می شود .پیش از انجام دادن هر کاری فکر می کنید .حتی به اینکه چگونه راه بروید، چه وقت و چگونه حرف بزنید و چه بگویید یا چگونه غذا بخورید، می اندیشید .در این موقعیت متوجه می شوید که در راه رفتن، غذا خوردن و حرف زدن آگاهی ها و دانش هایی وجود دارد که به سبب عادت، از نظر شما پنهان بوده است.

۷. عامل عادت کردن (تکرار کنش تا جایی که به یک عادت تبدیل شود)

۸. زندگی اجتماعی مختل می شود و جهان اجتماعی فرو می پاشد

۹. این دانش را انسان ها در طول زندگی خود به دست می آورند؛ یعنی این دانش، حاصل از زندگی است.

۱۰. ما انسان ها با تولد و ورود به جهان اجتماعی، با دیگرانی که در همان جهان اجتماعی زندگی می کنند، در مجموعه ای از

آگاهی ها و دانش ها سهیم و شریک می شویم .این نوع دانش را دانش عمومی می نامند.

۱۱. این فرد در موقعیت هایی که از آنها آگاهی ندارد، با مشکل مواجه می شود و اگر بخواهد برای انجام دادن هر کاری بیندیشد، زندگی اش بسیار پرزحمت می شود.

۱۲. او مجبور است پیش از انجام دادن هر کاری، فکر کند تا آگاهی لازم را برای انجام آن به دست آورد و بتواند آن را انجام دهد. در صورتی که آن عمل موفقیت آمیز باشد، دفعات بعد برای انجام دادن آن از همان دانش قبلی استفاده می کند، پس در

وقت و انرژی او صرفه جویی می شود و می تواند به فعالیت های دیگر بیندیشد و راه انجام آنها را بیابد. بدین ترتیب به سختی بر ذخیره دانشی او افزوده می شود.

۱۳. از آنجا که ما انسان ها با هم زندگی می کنیم، مجبور نیستیم خودمان به تنهایی و جداگانه، دانش لازم برای تک تک کنش هایمان را تولید کنیم. جهان اجتماعی؛ یعنی جامعه و فرهنگی که در آن زندگی می کنیم، دانش لازم برای زندگی یا همان دانش عمومی را در اختیار ما قرار می دهد.

۱۴. دانش عمومی

۱۵. دانش عمومی

۱۶. دانش عمومی

۱۷. انسان همواره از هوا استفاده می کند، اما اغلب متوجه آن نیست و از اهمیت آن غافل است. او هنگامی متوجه وجود هوا می شود که تغییری در آن رخ دهد و تنفس را با مشکل مواجه نماید.

۱۸. دو بخش: دانش عمومی و دانش علمی

۱۹. آن بخش از ذخیره دانشی است که با تامل و اندیشه در دانش عمومی به دست می آید و از آن عمیق تر و دقیق تر است.

۲۰. دانش علمی

۲۱. زبان

۲۲. با مقایسه دانش کاربران و سخنگویان زبان فارسی با دانش متخصصان زبان فارسی.

۲۳. کسی که دانش علمی دارد، به درک عمیقی از شناخت عمومی جهان اجتماعی خود می رسد؛ آسیب ها و اشکالاتی را که به شناخت عمومی راه پیدا کرده باشند، شناسایی می کند و قدرت پیدا می کند که از حقایق موجود در شناخت عمومی دفاع کند.

۲۴. تلاش های علمی به تدریج بر ذخیره دانش علمی جامعه می افزاید و دانش عمومی را غنی تر می کند.

۲۵. دانش علمی با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی، شکل می گیرد و پیشرفت می کند؛ یعنی هر وقت در یک جامعه،

مسئله خاصی مطرح می شود، زمینه برای پیدایش و رشد دانش علمی درباره آن نیز فراهم می گردد؛ مثلاً کاهش یا افزایش

بی رویه جمعیت در یک کشور می تواند زمینه فعالیت و رشد علم جمعیت شناسی را فراهم کند.

۲۶. مسائلی مانند ناامنی، ترافیک، اعتیاد، آلودگی هوا، بحران آب، بیکاری، فقر، نابرابری، قانون گریزی، بحران هویت، بحران اخلاقی، بحران آگاهی و

۲۷. همه کسانی که از دانش عمومی برخوردارند مشکلات انسان در زندگی اجتماعی را می‌شناسند و برای حل برخی از آنها راهکارهایی پیشنهاد می‌دهند. اما افرادی که درباره این مسایل شناخت علمی دارند، از شناختی دقیق برخوردارند و می‌توانند برای آنها راه حل‌های صحیح پیدا کنند.

۲۸. حل تعارض‌ها گاه با دست برداشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر و گاه با طرح ایده‌های جدید انجام می‌شود.

۲۹. هویت فرهنگی خود

۳۰. فقط علم تجربی را دانش علمی می‌دانست و علوم عقلانی و وحیانی را علم محسوب نمی‌کرد - براساس هویت دنیوی خود.

۳۱. در ذخیره دانشی آن جوامع، تعارضاتی پدید می‌آورد. در چنین شرایطی، ارتباط دو سویه دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود، دانش علمی از رشد و رونق لازم باز می‌ماند و دغدغه و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی را از دست می‌دهد.